



جایگاه اولویت گذاری در برنامه های تحقیقاتی مدیران سازمان



حمیدرضا اسدالهی*



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده:

هدف از انجام این مقاله بررسی و اهمیت جایگاه اولویت گذاری در برنامه های تحقیقاتی از سوی مدیران سازمان است. نویسنده سعی نموده که ضمن بررسی چرایی اولویت گذاری تحقیق رهیافت و روش شناختی اولویت گذاری و اهمیت و هدف آن را مورد بررسی قرار دهد. در این مقاله برای انتخاب یک روش شناختی اولویت گذاری تحقیق شش معیار را مدنظر قرار می دهند که عبارتند از (شفافیت، مشارکت، سادگی، منطق نظری، استعداد و ظرفیت تمایز، کاربرد ارزان) همچنین اهمیت اولویت بندی برنامه های تحقیقاتی در کشورهای در حال توسعه بدون اولویت گذاری رسمی صورت می پذیرد و بیشتر قضاوت ها بر پایه تجربه های مبتنی بر هدف های توسعه کشور ایجاد می شود و به همین جهت تلاش کمتری از سوی مدیران و برنامه ریزان سازمان ها و مؤسسات کشورهای در حال توسعه در امر اولویت گذاری تحقیق صورت می پذیرد. در این مقاله همچنین به هدف های اولویت بندی که شامل (تعیین اولویت های تحقیقاتی ملی و منطقه ای، توجه به برنامه ریزی های کوتاه، متوسط و بلندمدت و تخصیص منابع در زمینه های مورد نیاز و استفاده از کلیه افراد صاحب نظر و دست اندرکار و برنامه ریزان اولویت گذاری تحقیق همچنین توجه کردن مدیران به نظر بهره برداران و تعیین نیازهای علمی و در نهایت کمک به کاربردی تر شدن برنامه های تحقیقاتی) صورت پذیرفته است.

به عنوان رهیافت روش شناختی، اولویت‌گذاری ممکن است، یک رهیافت منطقی پیوسته و رسمی برای تعیین مهمترین فعالیت‌های تحقیقاتی ممکن تعریف شود. در این تعریف فرض بر این است که اهداف و منظور از اولویت‌گذاری قبلاً تعریف شده و اولویت‌های تعیین شده واقعاً به اجرا در می‌آید. تاکید به مراحل واکنش‌های مختلفی است که باید اجرا شود تا اولویت‌گذاری صورت گیرد. در بسیاری موارد، رهیافت سازمانی نقطه شروع بهتری است زیرا بسیاری از سازمان‌ها چشم‌انداز روشنی در اهداف نداشتند و هرگز گزینه‌های مختلفی برای تحقیق را بررسی نکرده‌اند و حتی از چگونگی ایجاد تغییر آگاهی ندارند(۱).

روش شناختی اولویت‌گذاری:

روش شناختی‌های اولویت‌گذاری می‌تواند به دو روش تک معیاری و چند معیاری تقسیم شود. در تک معیاری یک شاخص برای اهداف سازمانی که اولویت‌گذاری برای آن صورت می‌گیرد وجود دارد و برای مثال اگر هدف از تحقیق، کاربرد نتایج آن در افزایش درآمد ملی است یک روش تک معیاری که رشد درآمد را اندازه‌گیری نماید از قبل رویکرد مازاد اقتصادی، کافی است روش چند معیاری مناسب زمان است که یک موسسه (سازمانی) می‌خواهد اهداف متعددی را بدست آورد یا اینکه هدف نهایی آن چنان جامع است که برای تصمیم‌گیری بهتر است به اهداف مختلفی تبدیل شود. بنابراین واحدهای اندازه‌گیری متفاوتی ممکن است نیاز باشد.

بنابراین انتخاب یک روش شناختی برای اولویت‌گذاری به میزان زیادی به نوع مسئله‌ای که باید حل شود و افرادی که در این فرآیند درگیر می‌شوند و راه‌کارهایی که اتخاذ می‌شود بستگی دارد برای انتخاب یک روش شناسی ۶ معیار باید مدنظر قرار گیرد که عبارتند از(۲):

۱- شفافیت: باید چگونگی دستیابی به نتایج نهایی روشن شود. اگر افرادی که خارج از این فرآیند هستند (اولویت‌گذاری) و قرار است در مرحله جمع‌کردن و جفت و جور کردن که به نتیجه‌ای منجر شود، نتوانند مباحث مربوط به اولویت‌گذاری را درک کنند. ممکن است دستاوردها را بخوبی نپذیرند. در این صورت اولویت‌گذاری در قفسه‌ها می‌ماند.

۲- مشارکت: معمولاً تصمیم‌گیری وقتی ارزشمند و بهتر می‌شود که ایده و دانش افراد زیادی را گردهم آورد. مطمئناً منظور نمودن آخرین مخاطبان یا استفاده‌کنندگان از تحقیق بسیار اهمیت دارد.

۳- سادگی: روشهایی که کاربرد آن‌ها آسان است می‌تواند توسط افراد کم تخصص مکرراً به کار رود. بنابراین امکان

از آنجایی که کشور ما همه عوامل ضروری توسعه عرضی و طولی تحقیقات را در حد مطلوب ندارد، نباید امکانات آن را پراکنده و سرگردان رها ساخت. اولین قدم، متمرکز و هماهنگ کردن منابع با سیاست‌های کلان کشور است. اگر تحقیقات را فقط از زاویه پروژه‌های پراکنده بنگریم راه به جایی نخواهیم رسید. باید تحقیقات و برنامه‌های تحقیقی را به صورت واجدی یکپارچه و برنامه‌ای مدون و همراه با اولویت‌گذاری مورد توجه قرار داد، و از اشتغال هر محقق صرفاً بر حسب علاقه شخصی و توان فنی فردی جداً دوری کرد. در غیر این صورت نه تنها نیازهای جامعه برطرف نمی‌شود بلکه باعث هدر رفتن سرمایه انسانی، مالی و امکانات دیگر می‌شود در این راستا با اولویت‌گذاری از سوی مدیران سازمانی و برنامه‌ریزی نمودن عناوین طرح‌های تحقیقاتی از طریق سازماندهی، هماهنگی، هدایت، کنترل و در نهایت نظارت می‌توان استراتژی تحقیقات متناسب با گذر جامعه تحول یابد تا اثرگذار خاص خود را داشته باشد.

چرا اولویت‌گذاری می‌کنیم؟

اولویت‌گذاری انتخاب بهترین مجموعه فعالیت‌ها برای یک سیستم مؤسسه یا برنامه تحقیقاتی می‌باشد. هدف اولیه آن مهیا ساختن موثرترین کاربرد منابع موجود برای انجام تحقیقات است. اولویت‌گذاری مزایای دیگری هم دارد. فرآیند اولویت‌گذاری بطور طبیعی به بازنگری بودجه منجر خواهد شد. انجام اولویت‌گذاری ممکن است اختلاف عقاید درون سازمانی را آشکار سازد و فرصت‌هایی را برای بحث و حل آن تفاوت‌ها یا اختلاف نظرها فراهم سازد.

بنابراین در رسیدن به یک اجماع یا اتفاق نظر در مورد اهداف سازمان و افزایش انسجام داخلی کمک می‌کند. انجام صحیح اولویت‌گذاری منجر به مرور گزینه‌های موجود و همچنین گزینه‌های جدید و بکر می‌شود. علاوه بر این ممکن است به منظور اصلاح و نوسازی برنامه کار تحقیقاتی به کار رود. به شفاف‌سازی بیشتر مدیریت سازمانی و ابهام‌زدایی کمک می‌کند. راهنمای عملی برای مدیریت بوده و چنانچه به خوبی عرضه شود انتظارات کارکنان و دست‌اندرکاران را پاسخ می‌دهد و یک اولویت‌گذاری جدی اعتبار سازمان را در خارج از آن افزایش می‌دهد. موفقیت سازمان را در مذاکره با اعطاکنندگان یا تأمین‌کنندگان مالی بهبود می‌بخشد.

رهیافت‌های روش شناختی و سازمانی:

اولویت‌گذاری برای اقتصاددانان و دانشمندان تحلیل گرامعنی متفاوتی دارد، مدیران و اقتصاددانان ممکن است روی ابعاد روش شناختی تکیه کنند در حالی که مدیران احتمالاً روی جنبه‌های

به طور متمایزی متفاوت است اما این تفاوت‌ها عملاً موجب تقویت اتخاذ روش‌های رسمی‌تر در اولویت‌گذاری‌های تحقیقاتی در جهان سوم می‌شود. در این خصوص به چند دلیل عمده می‌توان اشاره کرد.

- ۱- در کشورهای جهان سوم اصولاً ساختار تحقیقات کمتر قطعه قطعه است، تحقیقات در بخش خصوصی توسعه کمتری یافته است و دولت خود را متعهد به پوشش در کلیه امور می‌داند.
- ۲- بسیاری از کشورها برنامه‌هایی در زمینه توسعه دارند اما این برنامه‌ها غالباً هدف نهایی را دنبال می‌کنند که از ویژگی لازم برای رهنمود تحقیقات به دورند یا اینکه برنامه‌ها غیرواقع‌گرایانه‌اند. (زیرا در این باره با جامعه تحقیقاتی به طور کامل و کافی مشورت نشده است.)

هدف‌های اولویت بندی:

۱- تعیین اولویت‌های تحقیقاتی علمی و منطقه‌ای

طی چند سال گذشته هر دستگاه تحقیقاتی اولویت‌هایی را در زمینه کار خود جهت راهگشایی محققان ارائه کرده است که بعضاً و بصورت موردی بازنگری می‌شوند یا به همان مشکل اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما نظر به محدود بودن منابع مالی کشور و لزوم برنامه‌ریزی‌های کوتاه، متوسط و بلندمدت، تعیین اولویت‌های تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف ضروری است. با توجه به تنوع اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف کشور، نه تنها باید اولویت‌های ملی را تعیین کرد بلکه این اولویت‌ها را نیز باید به صورت منطقه‌ای مشخص نمود تا بتوانیم در هر منطقه با شرایط خاص خودش در زمینه تحقیقات برنامه‌ریزی کنیم.

۲- برنامه‌ریزی‌های کوتاه، متوسط، بلندمدت در زمینه تحقیقات:

پس از تعیین اولویت‌های تحقیقاتی، با توجه به اولویت‌های پیش‌بینی شده می‌توان در زمینه‌های مختلف برابر آنچه در بالا گفته شد برنامه‌ریزی کرد.

۳- تخصیص منابع در زمینه‌های مورد نیاز:

با توجه به محدود بودن منابع مالی کشور، از طریق اولویت‌های تعیین شده منابع مالی به سمت اولویت‌هایی سوق داده می‌شوند که اهمیت بیشتری دارند.

۴- استفاده از کلیه افراد دست‌اندرکار و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران در تعیین اولویت‌ها:

در اولویت‌گذاری‌های گذشته، از دیدگاه‌های دستگاه‌های اجرایی و سیاستگذاران کمتر کمک گرفته شده است. لازم است نظر این گروه که در حقیقت از آگاهان با تجربه هستند در اولویت‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. این افراد

بهر برداری آنها افزایش می‌یابد.

۴- منطقی نظری: انجام دادن اولویت‌گذاری باید به بهترین راه حل منتهی شود و مهم این است که دستاوردها واقعاً درست و صحیح می‌باشد. بهرحال مسئله در شایستگی و درستی نظریه (تئوری) این است که از کدام ریشه فکری یا رشته علمی نشأت گرفته است.

۵- استعداد و ظرفیت تمایز ایجاد کردن: روش‌ها باید به وضوح گزینه‌های خوب از بد را تمیز دهد و بینش روشنی در مورد اینکه چرا یک فعالیت تحقیقاتی خوب یا ضعیف است را بدست آورد.

۶- کاربرد ارزان: کار اولویت‌گذاری می‌تواند به مثابه یک سرمایه‌گذاری در دانش باشد که بتواند کیفیت تصمیمات را بهبود بخشد. اگر این تصمیمات بتواند بوسیله راهکارهای ارزان اصلاح شود قطعاً قابل قبول خواهد بود.

غالباً در اولویت‌گذاری به دو روش تک معیاری شامل: تناسب و اندازه‌گیری مازاد اقتصادی و دو روش چند معیاری مانند: مدل‌های رتبه‌بندی و برنامه‌ریزی چند هدفی اشاره شود.

اهمیت اولویت بندی در تحقیقات:

تعیین اولویت عبارت است از مجموعه فرآیند تصمیم‌گیری برای انتخاب بهینه و تعیین بهترین توالی فعالیت‌ها یا راهکارهای تحقیقاتی از میان راهکارهای ارائه شده در حل مسئله یا مشکل. در حقیقت اولویت بندی روشی است که در آن ابتدا باید مشکلات را شناخت و از میان آنها مهمترین‌شان را انتخاب نمود و در نهایت بهترین روش برای حل مشکلات انتخاب شده تعیین شود.

با تغییر ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر جامعه از مرحله تکاملی به مرحله‌ای دیگر، همان‌طور که نیاز آن جامعه تفاوت می‌کند و امکانات نیز تغییر می‌یابد، راهکارهای برخورد با مسئله نیز فرق می‌کند و اصولاً منطقی نیست که برای رفع نیاز جامعه امروز از ابزارهای علمی، فکری و برنامه‌ریزی دیروز مدد جویم زیرا هر ابزار علمی و تفکر منطقی قادر به حل موضوعی خاص در مقطعی خاص است.

در کشورهای در حال توسعه، بیشتر تحقیقات هنوز بدون اولویت بندی رسمی صورت می‌گیرد و قضاوت‌ها بر پایه تجربه‌های مبتنی بر هدف‌های توسعه کشور اعمال می‌شود. با این همه در گذشته، اولویت‌های تحقیقاتی را اغلب نیروهای سیاسی و بازرگانی تحت کنترل مدیران ارشد سیاسی آن زمان تدوین می‌کردند. در حال حاضر نیز در کشورهای در حال توسعه به علت ناآشنایی محققان با روش‌های علمی اولویت‌گذاری، تلاش کافی جهت اولویت بندی تحقیقات کمتر به چشم می‌خورد.

شرایط کشورهای در حال توسعه با شرایط کشورهای پیشرفته

از چارچوب ملی توسعه و ارتباطات فی مابین بخش ها و نیز از نیازهای اساسی به تحقیقات، مروجان و مصرف کنندگان نتایج تحقیقاتی آگاهی و دانش زیادی دارند.

۵- توجه کردن به نظر بهره برداران در اولویت بندی:

با توجه به اینکه بهره برداران، مصرف کنندگان اصلی نتایج تحقیقاتی هستند و از طرف دیگر به مقدار بیشتر و از نزدیک با مشکلات آشنایی دارند لذا نظر این گروه را نیز در اولویت بندی لحاظ نمائیم. همان طور که قبلاً ذکر شد از دیدگاه این گروه کمتر استفاده شده است.

۶- تعیین نیازهای علمی بخش اجرایی و تولیدی (مبتنی بر واقعیت های موجود)

در این طرح با توجه به نتایجی که حاصل خواهد شد، نیازهای علمی بخش های مختلف به دست می آید تا بر اساس آنها بتوان در کوتاه و بلند مدت در جهت ارتقای سطح علمی بخش های مختلف برنامه ریزی کرد.

باشد زیرا عوامل مختلفی در اداره یک برنامه تحقیقاتی تأثیر دارند و با تغییر یکی از آنها، معضل به ظاهر حل شده به شکل دیگری نمایان می شود. به همین جهت باید مسایل و مشکلات سایر برنامه های تحقیقاتی را به طور کلی و همراه با اولویت بندی با یکدیگر بررسی کرد و در راهکار ارائه شده جهت حل آنها نیز در حد ممکن تأثیر تمامی عوامل موثر را در نظر داشت.

به عنوان مثال: اگر ایستگاه یک طرح تحقیقاتی با مشکلات مالی مواجه است و اقتصادی نیست برای حل این مشکل ارجح است با توجه به اولویت بندی راهکارهای قانونی با استفاده از ضوابط و قوانین مالی ارائه شود نه اینکه جهت حل مشکل بدون اولویت بندی سعی در جلب نظر مسؤؤلان شود و بر حسب نظر و تصمیم آنها و به طور مقطعی کمک های مالی به یک طرح یا ایستگاه صورت پذیرد.

بنابراین به طور خلاصه آنچه می توان به عنوان اولویت گذاری در برنامه ریزی طرح های تحقیقاتی از سوی مدیران اجرایی دستگاه ها بیان کرد عبارتند از:

۱- شناخت وضع موجود طرح یا ایستگاه های تحقیقاتی از نظر پراکنش و اطلاعات مربوط به عرضه و اعیان، پرسنل، تاسیسات، امکانات، تجهیزات و

۲- بررسی شناخت و طبقه بندی مسایل و مشکلات طرح و یا ایستگاه های تحقیقاتی

۳- تدوین شاخص های لازم جهت طبقه بندی ایستگاه ها و طرح های تحقیقاتی در دو گروه اقتصادی و غیراقتصادی

۴- ارائه راهکارهای اجرایی مناسب جهت اقتصادی شدن و خودگردان شدن طرح های تحقیقاتی یا ایستگاه های تحقیقاتی

۵- تجدید نظر در ساختار و چارچوب طرح ها و ایستگاه های تحقیقاتی و سطح بندی آنها

۶- برنامه ریزی در خصوص ایجاد و تکمیل بانک اطلاعات ایستگاه ها و طرح های تحقیقاتی

اهمیت و نقش مدیریت در اولویت گذاری برنامه های تحقیقاتی سازمان ها:

هر سازمان پژوهشی و تحقیقاتی به عنوان یک اجتماع و به صورت مجموعه ای هدفدار در رشته ها و یا زمینه های مشخص فعالیت می کند، این گونه سازمان ها به طور کلی براساس نیازهای هر جامعه و یا با هدف توسعه علوم و تکنولوژی در کشورها شکل گرفته اند.

نظام تحقیقات حاکم به هر اجتماعی و به ویژه بر سازمان های پژوهشی و تحقیقاتی از ارکانی خاص تشکیل شده است که به طور قطع رکن اعتبار و اهمیت ویژه و مختص به خود را دارد. در این راستا برای آنکه نظام تحقیقاتی حاکم، برای اجتماعی و در جهت رفع مشکلات آن پویایی لازم و زاینده داشته باشد، لازم است

تعیین اولویت عبارت است از مجموعه فرآیند تصمیم گیری برای انتخاب بهینه و تعیین بهترین توالی فعالیت ها یا راهکارهای تحقیقاتی از میان راهکارهای ارائه شده در حل مسئله یا مشکل.

۷- کمک به کاربردی تر شدن تحقیقات:

با توجه به مطالب فوق الذکر در صورت لحاظ کردن نظرات دستگاه های اجرایی و بهره برداران در اولویت گذاری، نتایج تحقیقات با سرعت و دقت بیشتری به اجرا در می آید و پس خور (فیدبک) آن نیز مثبت خواهد بود. زیرا مجدداً نیازهای تحقیقاتی دستگاه های اجرایی و بهره برداران به سرعت و دقت تمام به دستگاه های تحقیقاتی خواهد رسید.

مدیریت و برنامه ریزی اجرایی در ایستگاه ها و طرح های تحقیقاتی:

طی سالیان اخیر، مبالغ زیادی از اعتبارات از سوی مدیران دستگاه اجرایی صرف تکمیل و تجهیز، بازسازی یا نوسازی ایستگاه های تحقیقاتی قدیمی و همچنین ایجاد و راه اندازی ایستگاه تحقیقاتی جدید شده است. با این همه هنوز مسایل و مشکلات بسیاری در ایستگاه های تحقیقاتی حل نشده باقی مانده است. تجربه های قبلی برخوردار با مسایل و مشکلات طرح های تحقیقاتی موید این نکته است که حل موردی یک معضل نمی تواند چاره ساز

به مشارکت بپذیرد. در انتها پیشنهاد می‌گردد با تغییر ساختار فرهنگی به ویژه مدیران و مسئولان سازمان‌ها و سایر وزارتخانه‌های کشور ضمن اولویت قرار دادن نیازهای اصلی و واقعی در برنامه‌های تحقیقاتی راهکارهایی جهت برخورد با هرگونه مسئله و موضوعات تحقیقاتی را با ابزارها و متدهای جدید و یا به قولی امروزه بنگرند و جداً از به کارگیری ابزار و وسایل و یا راه کارهای قدیمی پرهیز نمایند. بنابراین در انتهای مقاله پیشنهاد می‌گردد مدیران در راه رسیدن به اولویت‌گذاری برنامه‌های تحقیقاتی خود قدم‌های زیر را جهت سازمان‌های خود به کار گیرند.

۱- طبقه‌بندی مسایل و مشکلات موجود در سازمان
۲- شناخت وضع موجود از طریق دریافت اطلاعات
۳- تجدیدنظر در ساختارهای قدیمی و به کارگیری ابزاری جدید

۴- تشکیل و ایجاد بانک اطلاعاتی در برنامه‌های تحقیقاتی سازمان
۵- توجه به نظر بهره‌برداران یا مصرف‌کنندگان اصلی موضوعات تحقیقاتی
۶- برنامه‌ریزی تحقیقاتی با توجه به نیازهای علمی بخش‌های مختلف
۷- استفاده از دیدگاه‌های دستگاه‌های اجرایی و سیاستگذاران به عنوان یک منبع آگاه
۸- توجه و اختصاص منابع مالی به منظور اولویت‌گذاری برنامه‌های تحقیقاتی
۹- توجه به شرایط خاص هر منطقه در برنامه‌های تحقیقاتی مدنظر قرار گیرد. ■

منابع:

- ۱- اولویت‌گذاری برنامه‌های تحقیقاتی به روش ISNAR (ایزنار) کارگاه آموزشی فرموله کردن برنامه‌های تحقیقاتی تابستان ۸۳ کرج موسسه آموزش عالی علمی کاربردی
- ۲- دکتر محسن شوکت فدائی بهینه‌سازی تحقیقات (کتاب اول) مرداد ۱۳۷۹ صفحه ۲۴۴-۲۴۳
- ۳- دکتر محسن شوکت فدائی (بهینه‌سازی تحقیقات کتاب اول) صفحه ۲۴۴-۲۴۳

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- اولویت‌گذاری در تحقیق به روش ایزنار (ISNAR) ارائه در دومین کارگاه آموزش فرموله کردن طرح‌های تحقیقاتی - موسسه آموزش عالی علمی کاربردی.
- ۲- بهینه‌سازی تحقیقات نوشته دکتر شوکت فدائی مردادماه ۱۳۷۹ انتشارات سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی.
- ۳- کتاب برنامه بهینه‌سازی تحقیقات صفحه ۲۴۴-۲۴۳ نوشته دکتر محسن فدائی مرداد ۷۹.

* کارشناس ارشد طرح‌های تحقیقاتی - موسسه آموزش عالی علمی کاربردی وزارت جهاد کشاورزی و عضو انجمن مدیریت ایران

برنامه‌ریزان جامعه به تک‌تک ارکان تشکیل دهنده این نظام توجه خاصی مبذول دارند و در عین حال آنها را در ارتباط با یکدیگر بررسی کنند.

در این راستا مدیر هر اجتماع و یا مؤسسه‌ای در زمینه‌های (برنامه‌ریزی، سازماندهی، ایجاد هماهنگی، هدایت و نظارت) مجموعه وظایف خطیری به عهده دارد آن چنان که با توجه به آن وظایف می‌توان از میزان تأثیر مدیریت در سرنوشت مؤسسه یا هر اجتماع دیگری آگاه شد.

هر چه جامعه و یا اجتماع گسترده‌تر باشد و تعداد بیشتری از جمعیت را چه در داخل مثل سازمان تحقیقاتی و یا وزارتخانه‌ها و چه تحت تأثیر فعالیت‌های آن اجتماع مثل مردم روستا، شهر و یا کشور تحت پوشش قرار دهد نقش مدیریت از حساسیت بیشتری برخوردار خواهد بود. (۳)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

توسعه کشور از ضرورت‌ها جدی و اجتناب‌ناپذیر است که دنیای امروز به عنوان یک سرنوشت آن را پذیرفته است و از مهمترین و اساسی‌ترین اهداف سازمان‌ها، جامعه، مدیران و گروه‌های کاری می‌تواند توسعه همه‌جانبه کشور باشد. برای تحقیق توسعه عوامل زیادی از جمله مدیریت، نیروی انسانی متخصص و امکانات و بودجه و... وجود دارد که یکی از این عوامل تحقیق است که از طریق اولویت‌گذاری برنامه‌های تحقیقات از سوی مدیران سازمان‌ها و مسئولان کشور راه‌کارهایی را از طریق روش شناختی اولویت از طریق مشارکت و شفاف‌سازی و سادگی موضوعات تحقیق صورت می‌پذیرد. در واقع مدیران هر چه در برنامه‌ریزی تحقیقاتی خود بتوانند روش‌هایی به کار ببرند که کاربرد آن و اجرای آن آسان و شفاف باشد موفق‌تر خواهند بود. همچنین مدیران از طریق کمک گرفتن از ایده و دانش سایر افراد متخصص و برگزاری کارگاه‌های آموزشی می‌توانند در کسب و دریافت ایده‌های جدید در برنامه‌های تحقیقاتی و در نهایت اولویت‌بندی آن گام مؤثری بردارند.

مدیران سازمان‌ها باید در اولویت‌گذاری برنامه‌های تحقیقاتی و راه رسیدن و دستیابی به نتایج آن روشن و واضح‌تر ترسیم نمایند و وظیفه مدیر در این مرحله این است که نتایج حاصله چه در درون سازمانی و چه در بیرون سازمانی که از سوی افراد و متخصصان حاصل گردیده است را جمع و جور یا جفت و جور نمایند.

نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره نمود این است که دولت ساختار تحقیقاتی را به سایر بخش‌های خصوصی واگذار نماید و با مشارکت مدیران غیردولتی راه را در جهت رسیدن به توسعه هموار نمایند. در واقع ساختار تحقیقاتی کشور را قطعه، قطعه و متناسب با برنامه‌ریزی صحیح و اصولی علاوه بر برنامه‌ریزی تحقیقاتی از سوی مدیران دولتی سایر بخش‌های خصوصی را نیز در این زمینه